

افسانہ سرمایہ داری

انتخابات و زوال رقابت

نویسندگان: جان اتان تیر - دنیس ھرن

مترجم: مسعود قربانی

سرشناسه	: تیر، جاناتان، ۱۹۷۶ - م. -Tepper, Jonathan, 1976
عنوان و نام پدیدآور	: افسانه سرمایه‌داری: انحصارات و زوال رقابت/ نویسندگان جاناتان تیر، دنیس هرن؛ مترجم مسعود قربانی.
مشخصات نشر	: تهران: فوژان کتاب، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۸ ص: نمودار.
شابک	: 978-622-5869-32-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: The myth of capitalism: monopolies and the death of competition, 2019
عنوان دیگر	: انحصارات و زوال رقابت.
موضوع	: انحصارات -- ایالات متحده Monopolies - United States سرمایه‌داری -- ایالات متحده Capitalism - United States
شناسه افزوده	: هرن، دنیس، ۱۹۸۶ - م. -Hearn, Denise, 1986
شناسه افزوده	: قربانی، مسعود، ۱۳۴۸ - مترجم
رده بندی کنگره	: HD۲۷۵۷/۲
رده بندی دیویی	: ۳۳۰/۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۲۳۳۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



نشر فوژان

افسانه سرمایه‌داری

نویسندگان: جاناتان تیر، دنیس هرن

مترجم: مسعود قربانی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، سال ۱۴۰۱

چاپ / صحافی: عطا / کیمیا

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن بطور کلی و جزئی (چاپ، فتوکپی، فایل صوتی، تست‌سازی و انتشار الکترونیکی ...) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع بوده و قابل پیگرد قانونی است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۶۹-۳۲-۵

قیمت: ۳۶۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: نشر فوژان

تهران، م انقلاب، خ لبافی‌نژاد بین کارگر جنوبی و اردیبهشت، نبش کوچه درخشان پلاک ۲، ط اول.

تلفن: ۰۹۱۲۶۸۶۰۹۲۳ - ۶۶۴۰۸۵۰۱ - ۶۶۴۹۰۲۰۹

WWW.FOZHANPUB.IR

Email: fozhan.bup@yahoo.com

فهرست

مقدمه	۱۷
فصل اول: سمفونی مشترک وارن بافت و میلیاردرهای سیلیکون ولی	۳۱
فصل دوم: تقسیم قلمرو	۶۷
فصل سوم: شباهت کینگ کنگ با انحصارات	۹۳
دستمزد کمتر و نابرابری درآمدی بیشتر	۹۷
قیمت های بالاتر	۱۰۲
استارت آپ ها و مشاغل کمتر	۱۱۰
بهره وری کمتر	۱۱۶
نرخ پایین تر سرمایه گذاری	۱۳۰
منطقه گرایی و تنوع	۱۳۳
فصل چهارم: چلاندن کارگر	۱۴۱
فصل پنجم: سیلیکون ولی، سرچشمه ای گل آلود	۱۷۹
فصل ششم: گذرگاه های عوارضی و اربابان گردنه گیر	۲۲۱

۲۳۱.....	انحصارات (و انحصارات محلی)
۲۴۱.....	انحصارات دوقطبی
۲۴۶.....	انحصارات چندقطبی (الیگوپلی)
۲۶۷.....	فصل هفتم: هم‌نوایی تراست‌ها و نازی‌ها
۳۱۵.....	فصل هشتم: مقررات و شیمی درمانی
۳۶۳.....	فصل نهم: مورگانیزه کردن آمریکا
۳۹۱.....	فصل دهم: قطعه گمشده پازل
۴۲۷.....	نتیجه‌گیری: آزادی اقتصادی و سیاسی
۴۴۰.....	توجیهات اصلاحات
۴۴۲.....	درمان‌ها و چاره‌ها
۴۴۲.....	ضد انحصارگری و ادغام
۴۴۵.....	قواعد و مقررات
۴۴۷.....	حق امتیاز و حق مؤلف
۴۴۷.....	صاحبان سهام
۴۵۱.....	یادداشت‌ها

نظرات بزرگان اقتصاد و سیاست در مورد کتاب

«من فکر می‌کنم این کتاب چون آواری بر سر برخی از شرکت‌ها و مدیران عامل است لذا راهی برای تأیید کتاب باقی نمی‌ماند.»
«بی‌نام، میلیاردی مدیر صندوق تأمین سرمایه‌گذاری

جانائاتان تپیر در افسانه سرمایه‌داری می‌نویسد: «سرمایه‌داری بدون رقابت، سرمایه‌داری نیست. حق با اوست. پس از چندین دهه که اکثر اقتصاددانان اقدامات ضدتراست را زائد می‌دانستند تا زمانی که مصرف‌کنندگان قربانی افزایش قیمت‌ها نمی‌شدند، خیلی دیر از خواب بیدار می‌شدیم که سرمایه‌داری انحصاری بازگشته است؛ حتی اگر محصولات اصلی آن (مانند گوگل و فیس‌بوک) رایگان باشند. اما این فقط فناوری بزرگ نیست که رقابت را از بین می‌برد. همان‌طور که تپیر در این بحث جذاب نشان می‌دهد، تمرکز بیش از حد در صنعت هوایی، بانکداری، گوشت‌گاو، آبجو، بیمه درمانی، دسترسی به اینترنت و حتی صنعت تشییع جنازه نیز وجود دارد. اگر می‌خواهید علت واقعی افزایش نابرابری را درک کنید، پیکتی را کنار بگذارید و به جای آن تپیر را بخوانید. این رساله‌ای با جذابیت کمیاب فرا جناحی برای روزگار

ماست.»

«نایل فرگوسن، عضو ارشد میلبنک فمیلی، مؤسسه هوور، استنفورد و نویسنده کتاب «برآمدن پول»

تیر و هرن کتاب تأثیرگذار و مهمی نوشته‌اند که بر اساس تحقیقات خود و بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده، افزایش بسیار چشمگیر تمرکز صنعتی در طرف عرضه در صنایع ایالات متحده را که منجر به کاهش رقابت و تغییر قابل توجهی در بازار شده است، مستند کرده‌اند، قدرت سیاسی به صاحبان سرمایه نزدیک و از مصرف‌کنندگان و نیروی کار دور است. پیامدهای آن شامل افزایش نابرابری، کندشدن رشد بهره‌وری و تغییر در الگوی مقررات به نفع شرکت‌ها می‌شود. بخش‌هایی از این الگوهای رشد قبلاً توضیح داده شده است. اما این کتاب به طور منحصربه‌فرد آن را به تصویر می‌کشد. به این امید که آن تأثیری که واقعاً سزاوارش است بر جای بگذارد.»

«مایکل اسپنس، برنده جایزه نوبل اقتصاد (۲۰۰۱)، استاد اقتصاد مدرسه تجارت استرن دانشگاه نیویورک

«امروز چه مشکلی در سرمایه‌داری آمریکا وجود دارد؟ چرا برای نخبگان این قدر خوب است و برای بقیه این قدر بد؟ آیا نابرابری مشکل است؟ تیر و هرن می‌گویند که نابرابری نشانه است نه بیماری. مسئله، رقابت خیلی پایین است، نه رقابت زیاد. آن‌ها کتابی به غایت خواندنی و روایتی متقاعدکننده ارائه می‌کنند که با استناد به انبوهی از داده‌ها و پژوهش‌های اخیر، مسئله نابرابری را به طور درخشانی انکشاف می‌دهد.»

«سر آنکس دیتون، برنده جایزه نوبل اقتصاد (۲۰۱۵)، دانشگاه پرینستون

«تحلیلی گسترده و پژوهشی عمیق از رشد بی‌وقفه انحصارگری‌ها و انحصارات چندقطبی در چهاردهه گذشته. تیر دلیل قانع‌کننده‌ای دارد مبنی بر اینکه ناتوانی دولت در مهار غول‌های فناوری و دیگر غول‌های شرکتی ریشه شاید مشکل‌سازترین روندهای اقتصاد کلان زمان ما، از جمله افزایش نابرابری و کاهش بهره‌وری است. در این کتاب شفاف و کاملاً مستند با بی‌پروایی استدلال می‌شود که اندیشه درهم‌برهم و پول انحصارگران، کلیه جنبه‌های نظام را از سیاست‌مداران گرفته تا نهادهای نظارتی و دانشگاهیان گمراه کرده است.»

«کیت راگاف، توماس دی. کابوت، استاد سیاست عمومی و استاد اقتصاد در دانشگاه هاروارد، نویسنده کتاب پر فروش «این بار متفاوت است»

کاهش رشد و افزایش نابرابری به ترکیبی سمی در اقتصادهای غربی، به ویژه ایالات متحده تبدیل شده است. این ترکیب اکنون بقای خود لیبرال دموکراسی را تهدید می‌کند. چرا این اتفاق رخ داده است؟ برخی سرمایه‌داری بازار آزاد را بیش از حد مقصر می‌دانند. نویسندگان این کتاب، محققان و آشکارا نوشته‌اند که دقیقاً برعکس است و آنچه در چهل سال گذشته پدیدار شده است، سرمایه‌داری بازار آزاد نیست، بلکه شکلی غارتگرانه از سرمایه‌داری انحصاری است. افسوس که سرمایه‌داران همیشه انحصار را ترجیح می‌دهند. فقط دولت می‌تواند رقابت مورد نیاز ما را احیا کند، اما این کار فقط تحت هدایت یک جامعه آگاه انجام می‌پذیرد. پس این کتاب واقعاً مهم است. بخوانید، بیاموزید و عمل کنید.»

«مارتین ولف، مفسر ارشد اقتصادی، فایننشال تایمز

تیر و هرن ادعا می‌کنند که اقتصاد ایالات متحده به طور فزاینده‌ای از سرمایه‌داری فاصله گرفته است، فرایندی که پیامدهای زیان‌باری برای رشد بهره‌وری و نابرابری

دارد. شخصیت شرور داستان آن‌ها رشد انحصارگری و انحصارات چندقطبی است که در بسیاری از موارد با سیاست‌های دولتی‌ای همراه شده است که یا چشم خود را بر افزایش تمرکز بسته‌اند یا با ایجاد قوانینی برای تثبیت مدیران فعلی فعالانه آن را حمایت می‌کنند. کتاب آن‌ها با شور و شوق اما به شیوه‌ای دقیق، تحلیلی و واقعی ارائه شده که خواندن آن لذت‌بخش است. مهم‌تر از همه این است که نه بهانه‌ای برای ناامیدی بلکه مجموعه‌ای خاص از توصیه‌های سیاستی برای اقدام است.»

«جیسون فورمن، مدرسه کندی هاروارد، رئیس شورای مشاوران اقتصادی (۱۷-۲۰۱۳)

«چه بر سر قانون ضد تراست آمده؟ در ایالات متحده، سال‌هاست که به‌عنوان ابزاری برای محدود کردن قدرت انحصاری و انحصار خرید، عملاً از چرخه قوانین خارج شده است. خرید اینترنتی اگر قرار باشد تنها محدود به محصول فقط یک عرضه‌کننده باشد کمک چندانی به یک شرکت نمی‌کند، یا مصرف‌کننده‌ای که بین برندهای مختلف جز یک شرکت غول پیکر گزینه دیگری نداشته باشد، و کارگران نتوانند به راحتی به طرف فرصت‌های جدید شغلی و کارفرمایان جدید تغییر مسیر دهند. روند غیرقابل انکار افزایش تمرکز صنعتی در آمریکا ممکن است عامل اصلی روند کاهشی سهم نیروی کار از درآمد ملی باشد. این کتاب جذاب با مجموعه‌ای قدرتمند از پیشنهادات برای معکوس کردن روند و عملکرد اقتصاد بازار سرمایه‌داری آن طور که باید به پایان می‌رسد. مهم است - حتماً بخوانید.»

«ریچارد پورتنس (دارنده نشان امپراتوری بریتانیا)، استاد اقتصاد، دانشکده بازرگانی لندن، مؤسس و رئیس افتخاری مرکز تحقیقات سیاست اقتصادی

«تیر و هرن در یک بحث متقاعدکننده و عمیقاً تحقیق شده، بازاری را توصیف می‌کنند که زیر پا گذاشته شده است. به‌طور فزاینده‌ای، به جای منتفع شدن همه از

مزایای رقابت، سود انحصاری را برای شمار اندکی به ارمغان می‌آورد. تسلیم شدن مقررات و سیاست‌ها در مواجهه با تمرکز بازار، بار سنگینی بر بهره‌وری وارد کرده و نابرابری را نه تنها در ایالات متحده بلکه در سطح جهانی تقویت کرده است. فراخوان آن‌ها برای آزاد کردن بازارها از چنگال انحصارگران خصوصی و انحصارگران چندجانبه باید هر دو جناح چپ و راست را در سراسر جهان متحد کند.»

«چارلز کینی، همکار ارشد، مرکز توسعه جهانی، نویسنده کتاب «بهتر شدن».

«کتابی بسیار مهم که از پشتوانه پژوهشی قابل اعتنایی برخوردار است. جاناتان تپیر یک کارآفرین موفق است و می‌داند سرمایه‌داری «خوب» چگونه است. نظام کنونی که به دلیل سوءاستفاده از بازار، شرکت‌گرایی، پارتی‌بازی و تسخیر نظارتی، تحت تأثیر قرار گرفته و منجر به افزایش نابرابری و برانگیختن خشم خیل عظیمی از مردم می‌شود، به شدت به اصلاح نیاز دارد. اگر توسط افرادی که به بازارها اعتقاد دارند اصلاح نشود، توسط افرادی که باور ندارند اصلاح خواهد شد و این برای همه خبر بدی محسوب می‌شود. جاناتان تپیر این را به خوبی درک می‌کند و من کتاب او را به تمام اعضای کنگره آمریکا توصیه می‌کنم.»

«سیر پل مارشال، رئیس گروه صندوق تأمین سرمایه‌گذاری مارشال ویس

تپیر و هرن خاطر نشان می‌کنند که اگر روندهای کنونی کنترل نشوند، نور انتهای تونل مربوط به قطاری است که توسط انحصارگران و انحصارگری‌های چندقطبی به حرکت درآمده و فقط چند مسافر ممتاز بلیط آن را دارند. این روایت از سود انحصاری که به لابی‌گری و نفوذ ترجمه می‌شود، همه ما را از قیمت دارو تا بلیط هواپیما، قبوض شبکه‌های کابلی، بانک‌ها و گوشی‌های هوشمند تحت تأثیر قرار می‌دهد. افسانه سرمایه‌داری توسط قانون‌گذاران، دانش‌آموزان و هر کسی که در آینده

آمریکا نقشی دارد باید مطالعه شود.

«جی. کایل باس، مدیر ارشد سرمایه‌گذاری، مدیریت سرمایه هایمن

«از آنجا که با نگرانی‌هایی در مورد قدرت شرکت‌هایی مانند آمازون، فیس‌بوک و گوگل مواجه هستیم، عاقلانه است که خود را به دانش تاریخ مجهز کنیم. این گزارش نشاط‌آور و خواندنی از تنوع و عمل مونوپولی، دوپلی و آلیگوپولی، پایه محکمی برای این استدلال فراهم می‌کند که بسیاری از آسیب‌های اقتصاد امروز را می‌توان در تمرکز قدرت در شرکت‌های بزرگ بی‌رقیب ردیابی کرد.»

«تیم اورایلی، بنیانگذار و مدیرعامل اورایلی مدیا

«رساله‌ای جامع و قابل تأمل در مورد گذشته، حال و آینده رقابت. نیروهایی که در بازی عدالت، نابرابری، تثبیت و پراکندگی نقش ایفا می‌کنند، بازی بزرگی را رقم می‌زنند که سایه آن از بازار تا ژئوپلیتیک، گسترده است.»

«جاش ولف، شریک مؤسس و مدیرعامل، لاکس کپیتال

«ما در حال حرکت به سوی یک اقتصاد با چند ارباب و میلیون‌ها رعیت هستیم. کتاب تپیر «افسانه سرمایه‌داری» حقیقت بکر و سخت پشت رفتارهای انحصارگرایانه شرکت‌های امروزی را که باعث نابرابری، به خطر انداختن مصرف‌کننده و از بین بردن آنچه سرمایه‌داری آمریکایی معنی می‌شد، با قاطعیت بیان می‌کند.»

«اسکات گالووی، استاد بازاریابی و کارآفرین زبده

«حذف چیزی که ما اکنون «سرمایه‌داری» می‌نامیم، توسط و برای افرادی که به آن

اعتقاد واقعی دارند. تپ و هرن برای عاشقانه (بازار آزاد) که خوار شمرده شده است، نامه عاشقانه‌ای نوشته‌اند. به عنوان فردی که کلمه «سرمایه‌دار» را در عنوان شغلی خود دارد، بر این باورم که اگر بخواهیم فرصت بیشتری برای افراد بیشتر و محصولات و خدمات بهتری برای همه فراهم کنیم باید روند چندین دهه سقوط کارآفرینی را معکوس کنیم. این کتاب برای بازگشت به مسیر اصلی و احیای دوباره عشق به بازارها، پیشنهادها و راه‌حل‌هایی برای شما دارد.»

«روی باهات، سرمایه‌گذار ریسک‌پذیر، رئیس بلومبرگ بتا

جاناتان تپ و دنیس هرن گفته‌اند: «در حالی که کتاب‌های زیادی درباره سرمایه‌داری و نابرابری نوشته شده است، چپ و راست حتی یک کتاب یکسان را نمی‌خوانند. پژوهشگران حوزه خرد، کتاب، این موضوع را بررسی کرده‌اند و تقریباً هیچ کتاب سیاسی یا اقتصادی وجود ندارد که هر دو طرف آن را برای خواندن انتخاب کنند. آن‌ها امیدوارند که افسانه سرمایه‌داری پل‌پاشی شود برای زدودن اختلاف و زمینه‌ای مشترک برای چپ و راست فراهم آورد. من قویاً این هدف را تأیید می‌کنم. در زمان حزب‌گرایی فوق‌العاده در کنگره آمریکا و نهادهای قانون‌گذار سراسر کشور، نیاز به برخی زمینه‌های مشترک سیاست عمومی برای ایجاد مشاغل جدید، صنایع جدید، استانداردهای جدید آزادی اقتصادی و سیاسی و رهبران جدید که پایگاه پایداری برای صلح و عدالت آمریکا و جهان فراهم کنند ضروری است. من به خرد و قدرت قلمی که نویسندگان با آن نقدهای متفکرانه‌ای از سیاست‌های اقتصادی گذشته و نسخه‌های عالی برای آینده ارائه کرده‌اند، درود می‌فرستم.

«سناتوری ریچارد لوگار (بازنشسته)

این یک کار درخشان و روشن از اقتصاد سیاسی به معنای کلاسیک است: تحلیلی

دقیق از این که چگونه اقدام دولت به شرکت‌های انحصاری‌ای سود می‌رساند که از سودشان برای کسب حمایت بیشتر دولتی استفاده کرده‌اند، که به نوبه خود موقعیت‌شان را در بالای زنجیره غذایی اقتصادی تثبیت می‌کند. حتی مهم‌تر از آن، تپیر تخصص خود را به تجربه روزمره ما پیوند می‌زند. اگر تا به حال توسط یک شرکت هواپیمایی تحت فشار قرار گرفته‌اید. توسط یک شرکت کابلی نادیده گرفته شده‌اید، یا توسط یک بانک فریب خورده‌اید، ریشه این مصائب را در سازوکار اجرایی ضعیف قوانین ضدِ تراس و ناظران غایب که به خوبی در اینجا شرح داده شده است، خواهید یافت. برای درک ماهیت واقعی اقتصاد معاصر باید این کتاب در دوره‌های مقدماتی اقتصاد مورد مطالعه قرار گیرد.

«فرانک پاسکوال، استاد حقوق، دانشگاه مریلند

«اگر می‌خواهید امروز یک کسب‌وکار در آمریکا راه‌اندازی کنید، یا فقط می‌خواهید بدانید چه بلایی سر کشور ما آمده است، افسانه سرمایه‌داری یک گزینه عالی برای شروع است. تپیر و هرن کتابی بسیار خواندنی و واقعاً مفید در مسیریابی مشکل انحصار در آمریکا ارائه کرده‌اند، و بسیاری از آسیب‌های بزرگ و فزاینده تمرکز اقتصادی را شرح داده‌اند. نابرابری، ناکارآمدی سیاسی، خفه شدن فرصت‌ها، ظهور شرکت‌هایی که بزرگ‌تر از آن هستند که ورشکسته شوند؛ این کتاب نشان می‌دهد که چگونه تمام این‌ها کلاً یا اغلب ریشه در انحصارگری دارند. نویسندگان بهتر از همه روشن می‌کنند که این تمرکز، نتیجه اجتناب‌ناپذیر نیروهای طبیعی درون سرمایه‌داری نیست، بلکه نتیجه تصمیم‌های سیاسی‌ای است که می‌توانیم امروز روند آن را معکوس کنیم.»

«بری سی. لین، مدیر مؤسسه بازارهای باز، نویسنده کتاب «در تنگنا: سرمایه‌داری

انحصاری جدید و اقتصاد تخریب»

«تحلیلی عمیقاً خردمندانه از چنگال‌های خزنده و رو به رشد شرکت‌سالاری و تأثیرات ویرانگر در هیبت غارتگرانه سرمایه‌داری. سرمایه‌داری غارتگر با دلسرد کردن رقابت، قدرت بخشیدن به شمار اندکی (دانه‌درشت‌های بسیار ثروتمند) و نابود کردن منابعی که به آن‌ها وابسته است، یک نظام اقتصادی جهانی شکست خورده ایجاد کرده است، یک اقتصاد مرگ. این کتاب به ما کمک می‌کند اهمیت جایگزینی آن را با نظامی که خود یک منبع تجدیدپذیر است، یعنی یک اقتصاد زندگی درک کنیم.

«جان پرکینز، اقتصاددان ارشد و نویسنده کتاب‌های پرفروش نیویورک تایمز از جمله اعترافات یک جنایتکار اقتصادی و تاریخ مخفی امپراتوری آمریکا

www.ketab.ir

مقدمه

نهم آوریل ۲۰۱۷، مأمورین فرودگاه اَهر^۱ شیکاگو، دکتر دیوید دائو را از پرواز شماره ۳۴۱۱ یونایتد اکسپرس بیرون کشیدند. بیش از گنجایش پرواز بلیت فروخته شده بود، اما دکتر دائو مقاومت نشان داد. او بیماران^۲ داشت که روز بعد باید ویزیت می‌شدند. در حالی که پلیس دکتر دائو را داخل راهرو می‌کشاند، فیلمی از این صحنه توسط همسفران ضبط شد. در این اثنا زمزمه‌های اعتراضی برخی از مسافری^۳ن به گوش می‌رسید: «وای، خدای من!» «نه! این کار درست نیست» «ببین چه به روزش آوردید» هیچ‌کس نمی‌توانست این اتفاق را هضم کند.

در بخشی از فیلم مشهود است وقتی که پلیس کشان کشان او را می‌برد از دهانش خون جاری است. این ویدئو به سرعت بین مردم پخش شد. اما مدیرعامل یونایتد نه تنها عذرخواهی نکرد بلکه دستِ پیش را گرفت و دکتر دائو را به دلیل رفتار پرخاشگرانه، مقصر جلوه داد. سرانجام، خشم و انزجار مردم به حدی بالا گرفت که مدیرعامل وادار به عذرخواهی شد، نهایتاً شرکت هواپیمایی و دکتر دائو به توافقی رسیدند که محتوای آن هرگز آشکار نشود.

توماس دیمتریو، وکیل دکتر دائو به خبرنگاران گفت «موکلش سال ۱۹۷۵ وقتی که سایگون سقوط کرد، سوار قایقی شد و با حالتی وحشت‌زده ویتنام را ترک کرد ولی کشانده‌شدن در راهروی هواپیما آزاردهنده‌تر و گزنده‌تر از خاطره‌ای است که دکتر دائو هنگام ترک ویتنام تجربه کرده است» [۱].

سال‌ها پیش، به بار آمدن چنین افتضاحی در انظار عمومی می‌توانست منجر به سقوط سهام یونایتد شود، اما شرکت بلافاصله پس از این رخداد به شرایط عادی برگشت. تحلیلگران مالی اذعان داشتند این پیشامد هیچ پیامدی برای شرکت هواپیمایی یونایتد در بر نداشته است. درآمد خالص ۲۰۱۶ شرکت حدود ۲٫۳ میلیارد دلار اعلام شد. گزارش‌ها به قدری خوب بودند که هیئت‌مدیره یونایتد در سال ۲۰۱۶ بازخرید ۲ میلیارد دلار سهام را تصویب کرد. تحلیلگران خبره که چشم‌انداز شرکت‌ها را بررسی می‌کنند به موضوع دکتر دائو نپرداختند و اظهار کردند «متقاضیان سفرهای هوایی احتمالاً گزینه دیگری جز پرواز با یونایتد ایرلاین نداشته‌اند زیرا ادغام چند خط هوایی، قدرت رقابت سایر شرکت‌های هوایی را در بیشتر مسیرها کاهش داده است» [۲]. سایت‌های خبری آنلاین تیترو زدند: «شرکت‌های هواپیمایی می‌توانند با شما مانند یک تکه آشغال رفتار کنند زیرا آن‌ها انحصار چند جانبه دارند» [۳]. موقعی که سرمایه‌گذاران به سهام سودآور یونایتد روی آوردند قیمت سهام اوج گرفت.

حق با تحلیلگران بود. آسمان آمریکا از یک بازار آزاد با خطوط هوایی پرشمار به جولانگاه انحصار چندجانبه چهار غول هواپیمایی تبدیل شده است. حرف تحلیلگران این بود که سطح واقعی رقابت فقط توسط چهار شرکت بزرگ هواپیمایی تعیین می‌شود. اکثر خطوط هوایی ایالات متحده بر یک مرکز منطقه‌ای تحت عنوان «قطب راهبردی

کنترل»^۱ مسلطند یعنی منطقه‌ای که تقریباً در انحصار آن‌هاست و رقابت ناچیزی در آنجا جریان دارد. آن‌ها دارنده سهمیه‌های فرود^۲ هستند و به خاطر آن حاضرند درگیر فرایند قیمت‌گذاری نابودکننده شوند تا سد راه تازه‌واردان شوند. از ۱۰۰ فرودگاه بزرگ ایالات متحده، ۴۰ فرودگاه توسط یک شرکت هواپیمایی کنترل می‌شوند [۴]. مثلاً، شمار زیادی از بزرگ‌ترین فرودگاه‌های آمریکا در قبضه شرکت هواپیمایی یونایتد هستند. سهم این شرکت در هوستون حدود ۶۰ درصد، در نیوآرک نیوجرسی ۵۱ درصد، در واشینگتن دالاس ۴۳ درصد، در سانفرانسیسکو ۳۸ درصد و در شیکاگو ۳۱ درصد است [۵]. این آمار در مورد سایر خطوط هوایی انحصارگر به مراتب نامتقارن‌تر است. مثلاً، خط هوایی دلتا ۸۰ درصد از سهم نقل و انتقال هوایی آتلانتا و ۷۷ درصد از فیلادلفیا و ۷۷ درصد از سهم بازار فورث وُرت دالاس را دارد [۶]. در بسیاری از مسیرهای پروازی، شما مطلقاً گزینه دیگری ندارید.

روایت ما تا اینجا، استعاره‌ای برای تبیین نظام سرمایه‌داری آمریکای قرن بیست و یکم بود. یک شرکت خیلی سودآور، مصرف‌کننده‌ای [دکتر دانا] را خون‌به‌جگر می‌کند و مسئله‌دار نمی‌شود چرا که مصرف‌کنندگان حق انتخاب دیگری ندارند.

وقتی مصرف‌کنندگان می‌بینند که یک فرد توسط کارگزاران یک شرکت بزرگ به باد کتک گرفته می‌شود یا می‌بینند که به یک بیمار گرفتار در یک بیمارستان اجحاف می‌شود، به باوری مشترک می‌رسند که در این شرکت‌ها بی‌انصافی و ناحقی شدیدی رواج دارد.

۱. وقتی یک خط هوایی کنترل قسمت عمده‌ای از بازار را در یکی از قطب‌هایش انجام می‌دهد، به آن قطب راهبردی و بدون رقابت (fortress hubs) می‌گویند. م.

۲. حق بهره‌برداری از فضای هوایی قابل خلبانی برای فرود یا پرواز هواپیما در یک فرودگاه در طول یک ساعت خاص از یک روز را slot می‌گویند و landing slot سهمیه فرود است. موضوع این حق فقط محدود به استفاده از باند فرودگاه نیست بلکه قلمروی کامل یک فرودگاه را شامل می‌شود. (به نقل از مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دکتر مجتبی اشراقی آرانی)

در سراسر جهان، این حس شدید در مردم ایجاد شده که چیز مهمی نقض شده است. این امر منجر به ثبت سطوح بی‌سابقه‌ای از پوپولیسم در ایالات متحده و اروپا، تعصب فزاینده، و انگیزه و تمایلی برای برهم زدن نظم موجود می‌شود. چپ و راست نمی‌توانند بر سر آنچه اشتباه است به توافق برسند، اما هر دو می‌دانند که فساد در دل این نظام رخنه کرده است.

سرمایه‌داری بزرگ‌ترین نظام تاریخ برای نجات مردم از فقر و خلق ثروت بوده است، اما «سرمایه‌داری» امروزی ایالات متحده، با بازارهای رقابتی فاصله بسیار زیادی دارد. نسخه‌ای که امروز به عنوان سرمایه‌داری وجود دارد سرمشقی غلط‌غلو و بد ترکیب از سرمایه‌داری است. اقتصاددانانی مانند جوزف استیگلیتز از آن با عنوان «سرمایه‌داری باسمة‌ای یا شبه سرمایه‌داری» یاد کرده‌اند، در حالی که تصویر تحریف‌شده‌ای که ما می‌بینیم به همان اندازه از واقعیت دور است که دزدان دریایی دیزنی از دزدان دریایی واقعی فاصله دارند.

اگر آنچه ما داریم نسخه جعلی سرمایه‌داری است، پس سرمایه‌داری واقعی چه شکلی دارد؟ چه چیزی باید داشته باشیم؟

تعریف فرهنگ لغت از شرایط ایدئال سرمایه‌داری چنین است: «یک سیستم اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی ابزار تولید، توزیع و مبادله است که با آزادی سرمایه‌داران در فعالیت یا مدیریت دارایی‌شان برای کسب سود در شرایط رقابتی مشخص می‌شود.»

بخش‌هایی از این تعریف امروزه جذابیت جهانی دارد. مثلاً، مالکیت خصوصی در دنیا امری بدیهی است.

کمونیسم در تقابل با مالکیت خصوصی تعریف می‌شد. کارل مارکس در مانیفست

کمونیست نوشت که نظریه کمونیست‌ها را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: الغای مالکیت خصوصی. پس از فروپاشی دیوار برلین به سال ۱۹۸۹، کمونیسم دچار اضمحلال شد و به‌عنوان یک شکست فلاکت‌بار به شدت بی‌اعتبار شد. نبرد برای مالکیت خصوصی به پیروزی رسیده بود.

بخش دشوارتر تعریف سرمایه‌داری این است که: سرمایه‌داری «با آزادی عمل سرمایه‌داران در اداره کردن یا مدیریت دارایی‌هایشان برای کسب سود در شرایط رقابتی مشخص می‌شود.» اما نبرد برای رقابت نیز شکست خورده است. صنایع به شکلی افراطی در دستان بازیگرانی کم‌شمار متمرکز شده و رقابت واقعی بسیار کم‌رنگ است. سرمایه‌داری بدون رقابت، سرمایه‌داری نیست.

رقابت، موضوع با اهمیتی است زیرا به‌جای انتقال ثروت مصرف‌کننده یا عرضه‌کننده به انحصارگران، از نابرابری ظالمانه جلوگیری می‌کند. اگر رقابت وجود نداشته باشد، مصرف‌کنندگان و کارگران حق انتخاب محدودتری خواهند داشت. رقابت، نشانه‌های قیمتی واضحی در بازارها ایجاد می‌کند و محرک عرضه و تقاضاست و باعث افزایش کارایی می‌شود.

رقابت، انتخاب‌های بیشتر، نوآوری بیشتر و رشد و توسعه اقتصادی به همراه دارد و با تقسیم قدرت اقتصادی، دموکراسی قوی‌تری ایجاد می‌کند. رقابت، ابتکار عمل فردی و آزادی را ارتقا می‌دهد.

رقابت جوهر و ماهیت اصلی سرمایه‌داری است، اما نفس‌های آن به شماره افتاده است.

رقابت شالوده تحول است. نبود رقابت به معنای فقدان تحول و ناتوانی در سازگارشدن با شرایط جدید است و فقدان آن بقای ما را تهدید می‌کند.

در عرصه‌ای که رقابت کمتر باشد، شمار بازنده‌ها خیلی زیاد و برنده‌ها انگشت‌شمار خواهند بود. افزایش قدرت شرکت‌های انحصاری در بازار، منجر به رقابت کمتر، سرمایه‌گذاری کمتر در اقتصاد واقعی، کاهش بهره‌وری، پویایی اقتصادی کمتر و به تبع آن شرکت‌های نوپای کمتر، افزایش قیمت در جهت منافع شرکت‌های مسلط، دستمزدهای پایین‌تر و نابرابری بیشتر در توزیع ثروت می‌شود. سیلی مستندات مطالعات اقتصادی مرتبط با رشد انحصارگری و زوال رقابت در حال سرازیر شدن است.

رقابت به مثابه ایدئالی است که روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود ولی شما می‌توانید حرف‌گرفته‌ما را نپذیرید. بنابر نقل قولی از روزنامه نیویورک تایمز، «بازارها هنگامی بهترین عملکرد را خواهند داشت که رقابتی سالم بین کسب‌وکارها وجود داشته باشد ولی در تعداد زیادی از صنایع، این رقابت دیگر وجود ندارد» [۷]. نشریه اکونومیست هشدار می‌دهد که «آمریکا به فصل جدیدی با چاشنی سنگین رقابت نیاز دارد» [۸].

اگر به بازارهای آزاد رقابتی باور دارید، باید عمیقاً نگران وضع موجود باشید. اگر به رقابت منصفانه معتقدید و از پارتی‌بازی به ستوه آمده‌اید باید ناراحت باشید. در سایه سرمایه‌داری بدلی، مدیران عامل روابطی گرم و صمیمانه با نهادهای قانون‌گذاری و سازمان‌های نظارتی برقرار می‌کنند تا قوانین و انواع مقررات منفعت‌طلبانه‌ای که نیاز دارند را به تصویب برسانند.

به این ترتیب شرکت‌های بزرگ‌گنده‌تر می‌شوند، در حالی که شرکت‌های کوچک نیست‌و نابود می‌شوند، و در این میان مصرف‌کننده و کارگر بدون چاره رها می‌شوند.

حق برخورداری از آزادی از ضروریات نظام سرمایه‌داری است. دقیقاً به همین خاطر است که میلتون فریدمن عنوان «آزادی انتخاب» پیرامون سرمایه‌داری را برای مجموعه بسیار محبوب تلویزیونی خود از شبکه پی‌بی‌اس برگزید، همچنین سرمایه‌داری و آزادی

عنوان کتاب دیگری از اوست که بیش از ۱/۵ میلیون نسخه از آن فروش رفته است. فریدمن بر این باور بود که آزادی اقتصادی «لازمه آزادی سیاسی» است [۹].

تیتلر «آزادی انتخاب» عالی به نظر می‌رسد و بیانیه‌ای جسورانه و یک عنوان واقعاً مردم‌پسند است، با این حال آمریکایی‌ها آزاد نیستند که انتخاب کنند. صنعت به صنعت، آمریکایی‌ها فقط از شرکت‌های انحصاری محلی یا شرکت‌هایی با انحصارات چندجانبه^۱ که شائبه ساخت و پاخت پنهان بین آن‌ها وجود دارد می‌توانند کالاها و خدمات مورد نیازشان را تأمین کنند. ایالات متحده در حال حاضر صنایع پرشماری دارد که در هر یک از آن‌ها تنها سه یا چهار رقیب اصلی تمام بازارها را کنترل می‌کنند. از اوایل دهه ۱۹۸۰، تمرکز بازار^۲ شدیداً افزایش یافته است. ما عیناً در این کتاب با مستندات نشان می‌دهیم که

■ ۹۰ درصد آججوی مصرفی آمریکایی‌ها فقط توسط دو شرکت کنترل می‌شود.

■ ترافیک خطوط هوایی به طور کامل در قبضه چهار شرکت است و اغلب از انحصارات محلی یا انحصارات دوجانبه در مراکز منطقه‌ای برخوردار هستند.

■ پنج بانک کنترل نیمی از دارایی‌های بانکی آمریکا را در دست دارند.

■ شمار زیادی از ایالت‌ها دارای بازارهای بیمه بهداشت هستند که در آن دو بیمه‌گر برتر ۸۰ تا ۹۰ درصد سهم بازار بیمه را قبضه کرده‌اند. مثلاً، سهم بازار یک شرکت بیمه‌گر به نام

1. monopolies or oligopolies

۲. market concentration (تمرکز بازار، میزان سهم بازار را بین تعداد کمی از شرکت‌ها تعیین می‌کند و اغلب به عنوان نشانگر شدت رقابت مورد استفاده قرار می‌گیرد. م.)

بلوکراس بلوشیلد^۱ در آلاباما ۸۴ درصد و در هاوایی ۶۵ درصد است.

■ در حوزه دسترسی به اینترنت پرسرعت تقریباً تمام بازارها در انحصار شرکت‌های محلی است؛ بیش از ۷۵ درصد خانوارها مجبورند فقط از یک تأمین‌کننده، خدمات اینترنت پرسرعت دریافت کنند.

■ چهار بازیگر کلان، کل بازار گوشت گاو ایالات متحده را اداره می‌کنند و سرفق‌لی بازار گوشت در دستان آنهاست.

■ پس از دو ادغام در سال جاری [۲۰۱۸]، سه شرکت ۷۰ درصد از بازار سموم دفع آفات در جهان و ۸۰ درصد از بازار بذر ذرت ایالات متحده را کنترل خواهند کرد.

فهرست صنایع با بازیگران مسلط، خیلی بیشتر از چیزی است که برشمردیم و ته ندارد. وقتی دنیای فناوری را از حیث انحصار بررسی می‌کنید اوضاع از این هم بدتر می‌شود. قوانین برای مقابله با سلاطین بی‌رقیب دنیای آنلاین منسوخ شده‌اند. گوگل با سهم بازار تقریباً ۹۰ درصدی، سلطه بی‌چون و چرایی در حوزه جست‌وجوگرهای اینترنتی دارد. فیس‌بوک تقریباً ۸۰ درصد سهم شبکه‌های اجتماعی را از آن خود کرده است. هر دو شرکت دارای انحصار دوگانه مقررات‌زدایی‌شده و تبلیغات بدون رقابت هستند.

شرکت آمازون به عنوان یکی از فروشندگان عمده تجارت الکترونیک از یک سو در حال له کردن خرده فروشان است و از دیگر سو درگیر تعارض منافع به سبب بسترسازی برای فروشندگان خرده فروش شخص ثالث است که مقرر می‌کند چه محصولاتی را می‌توانند و چه محصولاتی را نمی‌توانند بر روی پلتفرم بفروشند و با هر مشتری موفق‌تری در این حوزه

رقابت می‌کند. آیفون اپل و آندروید گوگل به طور کامل و به صورت انحصار دوگانه^۱ بازار اپلیکیشن‌های موبایل را کنترل و تعیین می‌کنند کسب و کارها تحت چه شرایطی و چگونه می‌توانند به مشتریان خود دسترسی داشته باشند.

در قوانین موجود اصلاً به پلتفرم‌های دیجیتال اشاره نشده است. تا اینجای کار، به نظر می‌رسد این برنامه‌ها دیکتاتورهای خوش خیم باشند، اما به هر حال حاکم مطلق هستند.

اما اوضاع همیشه این جوری نبوده است. تقریباً بدون هیچ بحثی، صنایع امروزی از ۳۰ و حتی ۴۰ سال پیش خیلی متمرکزتر شده‌اند. همان طور که گوستاو گروییون^۲ اقتصاددان، متذکر شده، «ماهیت بازارهای محصول ایالات متحده در معرض یک تغییر ساختاری قرار گرفته که رقابت را تضعیف کرده است.» دولت فدرال در جلوگیری از تمرکز کم‌کار بوده و در واقع مسیر آن را تسهیل نموده است.

برشمردن سهم خطرات اقتصادی و سیاست ناشی از تمرکز صنعتی کار دشواری است. طی چند سال گذشته همواره این معمای بزرگ مطرح شده که چرا رشد اقتصادی تا این حد کم بوده و چرا بسیاری از مردان و زنان با آرزوهای بر باد رفته به راحتی تسلیم شده و از نیروی کار کنار گذاشته شده‌اند. برای درک این بحران، آمار سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد ۸۳ درصد از مردانی که در سنین ۲۵ تا ۵۴ جزو نیروی کار به شمار نمی‌رفتند، در سال قبل کار نکرده بودند. این بدان معنی است که ۱۰ میلیون مرد خارج از نیروی کار و جزو «گمشدگان نیروی کار» هستند [۱۰]. این‌ها فقط آمار نیستند. آن‌ها پسران، برادران و

1. doupoly

2. Gustavo Gullon

پدران ما هستند.^۱

باوجود تزریق تریلیون‌ها دلار نقدینگی به اقتصاد توسط بانک مرکزی و باوجود تریلیون‌ها دلار بدهی دولت، رشد اقتصادی همچنان ضعیف بوده است. پس از بحران مالی جهانی، ایالات متحده سطوح بالایی از بیکاری طولانی مدت، حقوق راکد، شمار اندک استارت‌آپ‌های جدید و رشد پایین بهره‌وری را به خود دیده است.

اگرچه این مشکلات ریشه‌های عمیق‌تری دارند. پس از سقوط ارزش سهام شرکت‌های اینترنتی،^۲ اقتصاد احیا شد اما نسبت به دهه ۱۹۸۰ یا حتی ۱۹۹۰ رشد اسف‌بارتری داشت. پس از بحران مالی، رشد حتی بدتر و به طرز ملال‌آوری ناکافی بود. هر رونقی نسبت به دوره قبلی با رشد کمتری همراه بوده است. برای پاسخ به تمام سوالات، یک متغیر تک‌عاملی وجود ندارد اما انبوهی از تحقیقات دامنه‌دار و گسترده نشان می‌دهند، رقابت کمتر منجر به کاهش دستمزدها، شغل کمتر، استارت‌آپ‌های کمتر و رشد اقتصادی کمتر شده است.

بازارهای پُردست‌انداز موجب سیاست‌های شکسته‌بسته می‌شوند. قدرت اقتصادی و سیاسی در دستان انحصارگران ناآشنا متمرکز شده است. هرچه شرکت‌ها قوی‌تر شوند، فشار و کنترل آن‌ها بر نهادهای نظارتی و قانون‌گذاران از طریق فرایندهای سیاسی بیشتر می‌شود. اصل سرمایه‌داری این نیست.

سرمایه‌داری مسابقه‌ای است که در آن رقبا بر اساس قوانینی بازی می‌کنند که همه با آن موافق هستند. دولت داور است، و همان‌طور که شما به داور و مجموعه‌ای از قوانین

۱. این آمار از دوران رکود اقتصادی سال ۱۹۴۰ هم بدتر است و این افراد جزو لشکر بیکاران هم محسوب نمی‌شوند چون اساساً دنبال کار نبوده‌اند که به گفته نیوکلاس ابرشتات در کتاب «مردان بدون کار» دلایلی چون نداشتن مدرک دانشگاهی، مجرد بودن یا سیاه بودن یا ناتوانی جسمی برشمرده است. م.

توافق شده برای یک بازی خوب بسکتبال نیاز دارید، برای ارتقای رقابت در اقتصاد نیز به قوانین نیاز دارید. اگر شرکت‌ها به حال خود رها شوند، از هر وسیله‌ای برای خردکردن رقبا استفاده می‌کنند. امروزه، دولت، به عنوان داور، تمهیدی برای قوانین حمایتی در مسیر منجر به افزایش رقابت نپنداشده است و از طریق تسخیر نظارتی^۱ قوانینی وضع کرده که محدودکننده رقابت هستند.

کارگران به خلق ثروت هنگفت شرکت‌ها کمک کرده‌اند، اما دستمزدشان به ندرت همپای رشد بهره‌وری و سود افزایش یافته است. دلیل این شکاف بزرگ روشن است، قدرت اقتصادی به شرکت‌ها منتقل شده است. نابرابری درآمد و ثروت، افزایش یافته و شرکت‌ها از مواهب اقتصادی برخوردارتر شده‌اند. اکثر کارگران هیچ سهامی ندارند و از سودهای بی‌سابقه شرکت‌ها به ندرت بهره‌ای نصیبشان می‌شود. همان‌طور که جی.کی. چسترتون^۲ بیان کرد، «زیاده‌روی در سرمایه‌داری به معنای سرمایه‌داران پرشمار نیست، بلکه به معنای سرمایه‌داران انگشت‌شمار است».

وقتی امروز جناح چپ و راست از سرمایه‌داری صحبت می‌کنند، انگار داستان‌هایی درباره یک وضعیت خیالی نقل می‌کنند. بازارهای آزاد رقابتی مهارنشده‌ای که جناح راست به آن عشق می‌ورزد، امروزه وجود ندارند. آن‌ها یک افسانه هستند.

می‌بینیم که جناح چپ به سرمایه‌داری زشت و بی‌قواره امروزی می‌تازد، انگار که این نسخه و نمود واقعی سرمایه‌داری است نه یک روایت تحریف شده.

۱. Regulatory Capture یک شکل از فساد در قدرت است که در آن یک نهاد سیاسی، سیاست‌گذار یا تنظیم‌کننده به طور مشترک در خدمت منافع تجاری، ایدئولوژیکی یا سیاسی یک حوزه فرعی مانند یک منطقه جغرافیایی خاص، صنعت، حرفه یا گروه ایدئولوژیکی است. م.

۲. G.k. Chesterton نویسنده انگلیسی، فیلسوف و منتقد ادبی؛ از او به عنوان شاهزاده پارادوکس یاد شده است.

اقتصاددانانی چون توماس پیکتی به جای اینکه مسئله را در فقدان رقابت جست‌وجو کنند حتی با یک تضاد منطقی در هزارتوی سرمایه‌داری مواجه می‌شوند که «آینده را می‌بلعد». اما آنچه امروز می‌بینیم به سبب اصرار بر انحصارطلبی است، که در آن شرکت‌های بزرگ، شرکت‌های کوچک‌ها را بالا می‌کشند، و دولت به ابزاری تبدیل می‌شود تا قوانین بازی را به نفع قوی و ضرر ضعیف دستکاری کند.

در حالی که کتاب‌های زیادی درباره سرمایه‌داری و نابرابری نوشته شده است، نیروهای چپ و راست حتی یک کتاب یکسان را نمی‌خوانند. پژوهشگران حوزه خرید کتاب، این موضوع را بررسی کرده‌اند و تقریباً هیچ کتاب سیاسی یا اقتصادی وجود ندارد که هر دو طرف آن را برای خواندن انتخاب کنند. به همین ترتیب، اگر بحث‌های تویتری را بررسی کنید، داده‌ها نشان می‌دهند که چپ‌ها و راست‌ها حتی با یکدیگر ایده به اشتراک نمی‌گذارند یا وارد بحث نمی‌شوند. هیچ یک از طرفین با هم گفتگو نمی‌کنند، و گوششان بدهکار این حرف‌ها نیست.

حمایت سرمایه‌داری بیشتر معطوف به کسب‌وکارهای بزرگ است تا اینکه با حمایت از بازارهای آزاد رقابتی شناخته شود.^۱ موضع ما در این کتاب بدون پرده‌پوشی، طرف‌داری از رقابت است. کسب‌وکار بزرگ بد نیست، اما اغلب اوقات بزرگی آن‌ها به دلیل ادغام با دیگر شرکت‌هاست که رقابت را نابود کرده و سرمایه‌داری را فاسد کرده است.

امیدواریم این کتاب پلی شود برای زدودن اختلاف و بستری مشترک میان جناح چپ و راست پدید آورد. هر دو جناح ممکن است نرخ‌های مالیاتی متفاوتی را ترجیح دهند یا دیدگاه‌های متفاوتی در مورد سیاست‌های اجتماعی داشته باشند، اما ضرورت دارد چپ و راست به این توافق برسند که برای ایجاد مشاغل بهتر، دستمزد بالاتر، نوآوری

۱. حامیان کسب‌وکارهای بزرگ تمایل دارند دولت در بازار مداخله کند تا منافع حداکثری آن‌ها تأمین شود ولی مدافعان بازار آزاد برای رونق کسب و کار از دولت می‌خواهند که زمینه بازی برابر برای رقابت را تضمین کند. م.

بیشتر، قیمت‌های پایین‌تر و حق انتخاب بیشتر، رقابت زمینه مشترک بهتری ایجاد می‌کند.

کتابی که بدون ارائه راهکار صرفاً مسائل را می‌کاود خیلی سودمند نیست. در این کتاب راهکارهایی نشان خواهیم داد و دست آخر با ایده‌هایی در مورد چگونگی اصلاح و سامان‌یابی اقتصاد و نظام سیاسی، دفتر را به پایان می‌بریم.

امیدواریم پس از خواندن این کتاب خشمگین و برآشفته شوید، اما مهم‌تر از آن، امیدواریم که خشم مصرف‌کنندگان و رأی‌دهندگان در مسیری درست، مهار و به کار گرفته شود.

در سال ۱۷۷۶ آدام اسمیت کتاب ثروت ملل را نوشت، و کنگره قاره‌ای استقلال خود را از بریتانیا اعلام کرد. اسمیت به شدت از انحصارات شکایت داشت. او دربارهٔ کمپانی هند شرقی نوشت: «... انحصاری که تولیدکنندگان ما به دست آورده‌اند... تیر و طایفه خاصی از آن‌ها را خیلی زیاد کرده است، مثل ارتشی که به شدت رشد کرده باشد نزد دولت جای پای محکمی پیدا کرده‌اند و در بسیاری موارد قانون‌گذار را می‌ترسانند.»

در همان سال، یکی از دلایلی که کنگره قاره آمریکا برای جدایی از بریتانیا در اعلامیه استقلال ذکر کرد، این بود: «برای قطع روابط تجاری ما با تمام نقاط جهان: زیرا بدون رضایت ما بر ما مالیات می‌بندند». جنبش چای بوستون^۱ واکنشی به انحصار چای توسط شرکت هند شرقی بود. ثروت ملل و اعلامیه استقلال بیانیه‌هایی جسورانه علیه سوءاستفاده از قدرت انحصاری بودند.

آمریکایی‌ها خواهان آزادی کارآفرینانه برای ایجاد شرایط مناسب کسب و کار در بستر بازار

آزاد بودند.

امروز هم برای عقب‌راندن انحصارات و باز کردن غل‌وزنجیر از دست‌وپای تجارت آزاد به یک انقلاب نیاز داریم.

www.ketab.ir